**برجس، رمان نویس و منتقد نامدار انگلیسی**

**تقی زاده، صفدر**

آنتونی برجس ANTHONY BURGESS رمان‏نویس و منتقد نامدار انگلیسی در سن 76 سالگی بر اثر بیماری سرطان در انگلستان درگذشت.برجس ادیبی برجسته و به تمام معنی فرهیخته‏ بود و ذوق و استعداد خود را در عرصه‏های گوناگون ادب و هنر آزمود:رمان‏نویس و منتقد و شاعر و محقق و نماینامه‏نویس و فیلنامه‏نویس و آهنگساز و مترجم بود.به چندین زبان زندهء دنیا تسلط داشت و با همهء آنها در زمینه‏های مختلف مطلب می‏نوشت.

برجس به سال 1917 در منچستر انگلستان به دنیا آمد و به مدرسه کاتولیکها رفت و از دانشگاه منچستر در رشته ادبیات انگلیسی فارغ التحصیل شد.خدمت سربازی‏اش را در بخش‏ تعلیماتی ارتش انگلستان سپری کرد و سه سالی در جبل الطارق ماند و پس از جنگ به مالایا و برنئو رفت و در مستعمرات انگلیس به تدریس پرداخت.

به انگلستان که آمد،در چهل و یک سالگی بیمار شد و پزشکی به او گفت که یک سالی بیشتر به‏ عمرش باقی نمانده است.غده بدخیمی در مغز دارد که لاعلاج است.ازاین‏رو تصمیم گرفت این‏ یک سال آخر را یکسره صرف رمان‏نویسی کند و از این راه پول و پله‏ای برای بیوه آینده‏اش بیندوزد. در عرض همان یک سال،حدود پنج رمان نوشت.اما پیش‏بینی آن پزشک درست درنیامد،یا شاید کار خلاقه،خود به نوعی کارساز و شفابخش شد و سی و پنج سال دیگر زنده ماند و به صورت یکی‏ از فعال‏ترین و پرکارترین نویسندگان قرن بیستم درآمد.همسرش پیش از بیوه شدن،بر اثر افراط در میخوارگی جان سپرد و همسر دیگری اختیار کرد و از او صاحب پسری شد.

گفته‏اند که روزی 1000 کلمه می‏نوشت و در دانشگاههای امریکا در یک روز در هفت کلاس درس می‏داد و تازه وقت کافی برای آهنگسازی و تفکر دربارهء علوم دینی و غیبی و مسائل روزمره‏ زندگی و سفرهای گه گاهی به اطراف و اکناف جهان داشت.

در رمان‏نویسی به مرتبه‏ای والا رسید و در جمع رمان‏نویسان هنری و پرداخته-نه عامه‏پسند- آثارش در شمار آثار پرفروش درآمد.

با نوشتن رمان«پرتقال کوکی»در سال 1968 شهرت یافت و وقتی«استانلی کوبریک» کاگردان امریکایی،فیلمی براساس این رمان شناخت،شهرتش عالمگیر شد.این رمان اثری فلسفی‏ -اجتماعی است که در آن با طنزی تلخ،آیندهء تاریخی را برای بشریت پیش‏بینی کرده است.بعدها، کتابها و فیلنامه‏ها و اپراهایی درباره مواضیع هنری و اجتماعی گوناگون-از زندگی عیسی و مسیحیت گرفته تا فروید و جویس و شکسپیر و همینگوی و زبانشناسی و ساختارگرایی و مردم‏شناسی و جامعه‏شناسی و تاریخ ادبیات خلق کرد.

همین اواخر،جلد دوم از زندگینامه خود نوشتش منتشر شد که کتابی است قطور شامل‏ تجربیات زندگی و فعالیتهای نویسندگی و هنری‏اش و داشت کار نوشتن جلد سوم را به پایان‏ می‏رسانید که خود پیش‏بینی کرد چیزی به آخر عمرش باقی نمانده است.«نمی‏توانم خودم را سالم‏ نگه دارم:عادات بدی در من ریشه دوانده که ترک‏شان بسیار دشوار است و حاصل‏شان برونشیتی‏ است مزمن همراه با نارسایی قلبی.»

در این دو جلد از زندگینامه خود نوشتش،تجربه‏های گوناگون زندگی و خاطره‏های پراکنده از کار نویسندگی‏اش را به تفصیل شرح داده است به او پیشنهاد می‏کنند که به جای لیونل تریلینگ که‏ بازنشسته شده،در دانشگاه کلمبیا کرسی او را اشغال کند،اما نمی‏پذیرد،رمان اولیس اثر جمیز جویس را به صورت ورسیونی موسیقایی درآورده است،ترجمه روسی«پرتقال کوکی»را دقیقا ویراستاری کرده است،فیلنامه«عیسی ناصری»را برای فرانکو زفیرلی می‏نویسد و خود به یونان‏ سفر می‏کند تا با دیدن صحنه‏هایی از کتاب مقدس در محل فیلمبرداری،دید و بینش تازه‏ای از موضوع پیدا کند،زبان عبری را می‏آموزد تا بتواند در اجرای یکی از آهنگهایش که شامل دو فلوت و دو ابوا و دو کلارینت و دوباس و سازهای دیگر است تأثیر دلخواه به جای بگذارد،درباره جویس‏ کتاب قطوری می‏نویسد و وقتی می‏خواهد آن رذا به دفتری فنی ببرد و از روی آن فتوکپی تهیه کند، کیف دستی‏اش را می‏قاپند و او به جای این‏که مأیوس شود و عزا بگیرد،آستینها را بالا می‏زند و همهء کتاب را از سر تا ته از نو می‏نویسد که احتمالا از اصل بهتر درمی‏آید،درباره رمان‏نویسی می‏گوید که‏ «ما می‏خواهیم خوانندگان را سرگرم کنیم و به شگفتی واداریم و اشتغالات ذهنی انسانهای واقعی را از طریق انسانهای مخلوق ذهن‏مان نشان بدهیم.»معتقد است که شعر فقط برای از بر کردن است و تحصیلات دبیرستانی و دانشگاهی هم همه باید بر همین اساس استوار باشد.«من خود همهء شعرهای هاپکینز و بسیاری از شعرهای ازرا پوند و الیوت را از بردارم.»بررسیهایی در زمینه‏ مردم‏شناسی و جامعه‏شناسی و ساختارگرایی در زبانهای مختلف انجام داده و برای هر مقاله چیزی‏ حدود یک گینی(یک پوند و پنج پنس)دریافت داشته است،تا پایان سال 1961 هفت رمان و یک

تاریخ ادبیات انگلیس نوشته است،«در سال 1964 در مجلس سالروز مرگ شکسپیر،شعرهای او را با لهجه دوران الیزابت خواندم.»،در برابر درخواست یک کارگردان تئاتر برای ترجمه یک اثر کلاسیک،به آموختن زبان نروژی نیز بنویسم،اما وقتی طرح کار را به ناشری دادم،سخت برآشفت. هیچگاه طرح کار خود را در اختیار هیچ ناشری نگذارید،مگر این‏که البته طرح دربارهء شیوه‏های‏ مختلف زنا و زنای محصنه باشد:مثل این است که تم پشنهادی یک سمفونی را با یک انگشت‏ بنوازید.»

\*\*\* برجس،در دوره‏ای از زندگی خود،از جامعه فرهنگی انگلیس سر خورد و در سال 1968 از انگلستان مهاجرت کرد و در خارج از انگلستان،نخست پنج سالی در امریکا و باقی را در کشورهای‏ اروپایی بسر برد.در این باره گفته است«من از جوامعی خوشم می‏آید که در آنها پویایی و چالش و ستیز و کشمکش وجود داشته باشد.»این ماجرا در آن زمان صر و صدای زیادی در انگلستان به راه‏ انداخت و در نشریه‏ای او را متهم کردند که رفتارش مثل موشی است که از یک کشتی در حال غرق‏ شدن می‏گریزد.او در پاسخ گفت«موشهای دانا باید از درون یک چنین کشتی در حال غرق شدن‏ بگریزند.»

با این‏همه،به ارزشهای اخلاقی و فرهنگی جامعه انگلس سخت پای‏بند بود.«من به اراده‏ خودم،خودم را تبعید کرده‏ام اما نه برای همیشه...آدمی نمی‏تواند از موطن خود دل برکند و همیشه‏ به طعم و مزهء غذاها و دستپختهای شهری که در آن بزرگ شده،دلبسته و وفادار می‏ماند و همین خود به نوعی نشانهء وطن‏پرستی است.من گاهی روحا و جسما مریض غذاهای لانکشایر می‏شوم-«تاس‏ کباب»و«دو پیازه»و چه و چه-و تا آنها را نخورم حالم جا نمی‏آید...درست کردن این غذاها هم‏ خیلی ساده است و دنگ و فنگ زیادی ندارد...این غذای فیش‏اند چیپس حالا بگمانم در همه جای‏ عالم مقبولیت عام یافته و مثل کفر ابلیس مشهور شده است.سنبوسهء گوشت و و سیب‏زمینی احتمالا معروف‏ترین غذای لانکشایر است.ظرف داغ پروپیمانی که برگه‏های ترد و نازک سمبوسه‏اش زیر دندان آدم قرچ قروچ می‏کند.»

آنتونی برجس چندی پیش سرانجام به انگلستان بازگشت و در ماه دسامبر 1993 در بیمارستانی در لندن درگذشت.بیش از پنجاه کتاب داستان و نمایشنامه و نقد ادبی و نیز مقاله‏های‏ بسیاری در موضوع‏های گوناگون و چند سمفونی و اپرا از خود به یادگار گذاشت.از آخرین آثارش‏ «آمادئوس و موزارت»است که اخیرا به زبان فرانسه هم ترجمه شده است.از جمله آثار مهم او «تحلیل آثار جمیز جویس»،«رمان امروز»،«پرتقال کوکی»و«دانه دلخوان است.از آنتونی برجس‏ کتاب«99 رمان برگزیدهء معاصر»به فارسی ترجمه و در سال 1369 از سوی انتشارات نشر نو منتشر شده است.